



۲۰۲۰/۰۱/۰۵



دوکتور محمداکبر یوسفی

راز حقیقت!

جهان ما را، هر یک ما از چه زاویه می بینیم؟ معیار قضاوت ما چیست؟ آیا تنها دید اخلاقی و مذهبی خود ما را در نظر می گیریم و یا واقعیت های سیاسی امنیتی را هم در کشور، منطقه و در جهان در پیوند ناگسستنی با همدیگر، در نظر می گیریم؟ آیا مسئله تنها بر سر "همجواری"، "هم دینی" و یا "هم زبانی" خلاصه می شود؟ اگر چنین است، پس به قول "البر آینشتاین" که می گوید: پس چرا "این همه با هم در صلح زندگی نمی کنند". آیا برای همه بطور یکسان معلوم است، که ما در چه یک دنیا، بسر می بریم؟ ده ها سؤال دیگر، می تواند مطرح شود، که فاقد جواب می ماند. کسانی که در حال حاضر، با پُر رونی در خود جرأت جواب و موضعگیری می بینند، نه تنها به اصطلاح مردم ما "سفیدی چشم" آنها بیشتر است، بلکه با مناسبات احتمالی پس پرده و یا اهداف مرموز جنایت آمیز ای که بنفع موقف انفرادی و گروهی و فامیلی آنها، در ذهن دارند و یا در تحت تأثیر دیگر مناسبت های "احتمالی" با قدرت ها و بازیگران اصلی، که در نقش تعویل کنندگان سیاست جهانی شناخته شده اند، در هر فرصت از استعداد عوامفریبی و از آرشیف "شیطانی" آنها برای نجات خود، کار می گیرند.

تجربه از اوضاع جهان نشان می دهد، که سیاستمداران همواره با در نظرداشتن اهداف سری خود آنان، در یک وضعیت "حقیقی"، دائماً از یکی از دو برداشت متفاوت و متضاد، که یک حالت است، کار می گیرند. "گیلاس نیمه خالی" یا "گیلاس نیمه پُر". به عبارت دیگر، مربوط آنست، که آیا موقف "خوشبین" و یا "بدبین" نسبت به حالت معینه اتخاذ می کنند. حال برای حد اقل افشای موضعگیری های سیاستمداران متعدد افغانستان در حال "بحران"، بطور نمونه در رابطه با کشته شدن "قاسم سلیمانی"، ارزیابی ها و موضعگیری های بی ربط آنها را از نظر می گذرانیم:

"عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی افغانستان از کشته شدن جنرال قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ایران ابراز تأسف کرده است. بر اساس اعلامیه مطبوعاتی که از آدرس ریاست اجرایی حکومت

وحدت ملی منتشر شد، آقای عبدالله این رخداد را برای خانوادهی آقای سلیمانی، حکومت و مردم ایران تسلیت گفته است.



در این اعلامیه هم چنان آمده است: «جمهوری اسلامی ایران یکی از همسایه گان و متحدان کشور ما است (که) در دوران جهاد و مقاومت در کنار مردم ما ایستاد و در مرحلهی بازسازی در سالیان اخیر از ثبات، استقرار و

بازسازی حمایت کرد و سال ها است از میلیون ها مهاجر ما میزبانی می کند... که ایالات متحده ی امریکا نیز از

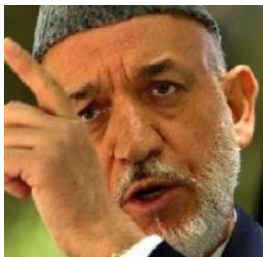
متحدان استراتژی یک افغانستان است ...»



«حنیف اتمر دکرزي نېژدې ترين کس وو. اوس دافغانستان دواړو دغو سياسي مشرانو يو په بل پسې په عراق کې هلاک شوی ایرانی نیشنلیست جنرال سردار قاسم سلیماني شهید گڼلی دی. افغانان دکرزي دې اعلاميې سخت غوسه کړي وو چې دولسمشري دټاکنو مات شوي نوماند حنیف اتمر هم دکرزي خبره بدرگه کړه او دا ایرانی هلاک شوی جنرال یې شهید ونوماوه.



افغانان وايي چې ایرانی جنرال په عراق کې امریکايي ځواکونو وژلی چې له افغانستان سره هیڅ ډول تړاو نه لري، نو بیا ولي افغان سیاسيون ددغه هلاکت پر بنیاد ناسمي څرگندوني کوي.»



ولسمشری نوماند او دملي امنیت پخواني رئیس رحمت الله نبیل، دایراني جنرال قاسم سلیماني په وژنه غبرگون ښودلی او هغه یې دسیمې دامنیت لپاره لوی گواښ بللی دی. نومري ويلي، سلیماني دایران دملي گټو دخوندیتوب لپاره قیمتي و، خو په سیمه کې یې ټولې نیابتي جگړې طراحي کولې چې په وینا یې وروستیو کې یې دفاطمیون، زینبیون، حیدریون او حسینیانو ډلې هم له افغانانو څخه جوړې کړې وې .

نبیل ويلي، دسلیماني په وژنه به سیمه کې تاوتریخوالی زیات شي، خو په وینا یې چې افغانستان باید له دغه تاوتریخوالي لرې وساتل شي که نه زیان به یې ډېر افغانستان ته متوجه وي. دولسمشری بل نوماند عبداللطیف پدram هم دسلیماني وژنه غندلې او حامد کرزي هم هغه ته دشهید خطاب کړی دی.»

«...افغانستان ولسمشر حامد کرزي په بغداد کې دامریکا لخوا په سیمه بیزه ترهگری دتورن قاسم سلیماني په وژنه خواشینی ښودلې او دامریکا دا کار یې په کلکو ټکو غندلی دی. حامد کرزي په یوه اعلامیه کې قاسم سلیماني شهید بللی او ويلي یې دي چې دجنرال سلیماني وژنه له ټولو نړیوالو اصولو خلاف کار دی چې په سیمه کې به یې ثباتي رامنځته کړي.

ښاغلي کرزي دایران له حکومت سره دسلیماني په وژل کېدو خواخوږي ښودلې او ټینگار یې کړی چې دسلیماني وژنه به دافغانستان دسولې او ثبات پروسې ته هم سخته ضربه ورسوي. حامد کرزي ويلي جنرال سلیماني په افغانستان کې سوله او ثبات غوښته او ټینگار یې کړی چې ایران په افغانستان کې دامریکا له حضور سره سره دافغانستان په رغاونه کې مهم کردار لوبولی دی...»

ارزیابی اظهارات هر یک ازین افراد را، که خود بار مسئولیت آنها را در بحران افغانستان، نمی توانند حمل کنند، با بلند پروازی و یا از روی کم ذاتی و نا دانی، بر وقایع جهان گرد مغشوش کننده، می ریزند و در هر حادثه می کوشند، بنفع آنها، استفاده کنند.

چند روزی قبل حلقهات معین "چهلمین سال شهادت"، "اولین رئیس جمهور افغانستان" را تجلیل کردند. چهره های معین از همین محافل در مراسم حضور نداشته اند، زیرا خود آنها، هم در "کودتاها" دوسیه داشته اند.

حال فقط چند تصویری را از یک کشور همسایه که با تشدید و حفظ "بحران افغانستان" رابطه داشته است، از نظر



می گذرانیم: برگشت "خمینی" اول فبروی ۱۹۷۹م. تاریخ ۱۵ ماه مارچ ۱۹۷۹م، حادثه خونین هرات، که در تحت نقشه "ارتش زمان شاه"، که در یک موقف "ژاندارم منطقه" در روابط نزدیک با "غرب" قرار داشته است، در چهار چوب فعالیت های آنطرف "مرز" برای تبارز قدرت منطوقوی، طرح ریز شده بود، در زمان پس از ورود "خمینی" به تهران، براه افتاده است. این رژیم صدها سال بعد از دوران "صفوی ها"، بار دیگر "سیاست شیعیزیم" صفوی را در مجاورت "غربی" کشور ما، افغانستان از سر گرفته اند. مردم افغانستان در طول تاریخ ازین "همجواری" سخت متضرر شده اند. در نقش این افراد در رابطه با ایران، نیاز به توضیح و تشریح نیست، که این "مهره"، که تصاویر مراحل مختلف در پایان تصویر "خمین" دیده می شود، تا چه حد، در خدمت "نظامیان" و "سیاسیون" انقلاب اسلامی" قرار گرفته است.

سیاست های "نوسانی" ای را که "همجوار غربی" ما، با "غرب" و منجمله با "ایالات متحده امریکا"، به پیش برده و یا به پیش می برد، با ما و مردم ما، هیچگونه ربطی ندارد، نه کسی از ما برای خارجی ها، "سند فوتی" تقاضا کرده اند و نه هم ما صلاحیت بخشیدن "درجه

شهادت" به کس، داریم. جنگ "ایران" و "امریکا"، جنگ ما نیست، و ما نه صلاحیت به "بررسی" و نه هم ضرورت به بررسی آنرا داریم. ما باید با تمام همسایگان، فقط روابط نورمال متقابل و توجه به عمل "بالمثل" داشته باشیم. هیچ مرجع جهانی، برای ما، وظیفه "حکم" هم نداده است و در چنین یک بحران طولانی و حاکمیت "فاسدی" که در دهه های اخیر در کشور ما مسلط است، باید هیچ کشور جهان از کشور و مردم ما، توقع انجام کدام وظیفه خاصی را نداشته باشد. صرفنظر از اینکه در شرایط، جنگ "داخلی"، همان قوای نظامی "همسایه غربی" که این "جهادیون" از کمک های آنها، برای خود آنها، سپاسگذار اند، یک زمان قوای آنرا، در سرحدات خاک مقدس ما، متمرکز ساخته بودند، که فقط، به کمک مجامع بین المللی، از تصادم جلوگیری بعمل آمده است. قرار گزارشات مطبوعاتی، همین "سلیمانی" کشته شده، فرمانده "جنگ های پنهان" در خارج بوده است. و "عبدالله عبدالله" دولت آنرا همجوار و متحد می داند.

مردم ما بخوبی آگاهی دارند که "توازن قوای بین المللی" در دست قدرت های غیر از افغانستان است. افراد فوق به این سطح، نه دارای دانش لازم و نه هم، در یک موقف حفظ "امنیت جهانی" قرار دارند، که قادر به "پیشگویی" نسبت به اوضاع منطقه و جهان، باشند. به نمایندگی همه اینها، اول در خطاب به "رئیس جمهور اسبق، حامد کرزی" اظهار می گردد، که شما که به کمک محافل بین المللی، و فروختن خودتان، از "شهرت بی سابقه" برخوردار گردیده اید،

"مدعی استید، که جنگ افغانستان، جنگ شما نیست"، آیا جنگ اردوی "قدس، جنگ شماست؟" سؤال دیگر اینست، که آیا مبالغه "دالرهای نقد" که "حکومت احمدی نژاد" و حکومت های بعدی ایران به دفتر شما تسلیم می داده اند، قیمت "خرید نقدی افغانستان" بوده است؟ که حال شما در بدل آن، احساس مسؤلیت می کنید و در حوادثی تماس می گیرید، که نه به شما و نه هم به مردم ما ربطی داشته می تواند.



© AP Qasim Soleimani befehligte die Al-Quds-Brigaden. Sie sind bei den iranischen Revolutionsgarden zuständig für Auslandseinsätze.
 («آی» قاسم سلیمانی، واحد های جنگی "القدس" فرماندهی می کرده است. اینها در سپاه انقلاب ایران مؤظف انجام وظیف در خارج بوده اند.»)

شما دیگر صلاحیت رهبری کشور را هم ندارید، کی از شما خواسته است، که برای "لشکر قدس" در جنگ های "منطقوی" آن، فاتحه دار و ماتم دار شوید؟ و "شهادت بخشی" کنید. مگر افراد آنها در خارج به کشتار بیگانه ها مرتکب شناخته نشده اند. مگر به امر این کس افغان ها کشته نشده اند؟

حال فقط به چند نقطه توجه خوانندگان محترم را جلب می کنم، تا لطفاً

از همه اینها، بپرسند، که موقف آنها در برابر دولت "ایران" چگونه است، که از اتباع "مهاجر" افغان هم در "جنگ با عراق" در دهه هشتاد قرن بیست و هم در "جنگ سوریه" در قرن بیست و یک، به حیث "اجیر" جبری و یا "داوطلب"، از آنها، در صف "فاطمیون" کار گرفته اند و به مانند گوشت دم توپ و هم برای منفجر ساختن "ماین ها" کار گرفته اند.

روزنامه "زوید دویچه سایتونگ" با نشر این تصویر در عنوان مطلب آن روزنامه از او به عنوان "استاد جنگ های



© Behrouz Mehri/afp Die Al-Quds-Brigaden sind bei der Elitetruppe der Revolutionsgarden zuständig für Auslandseinsätze. Die USA stuft sie als Terrororganisation ein.
 («بهروز مهروی / ... "بریگاد های القدس" در قوت های نخبة سپاه انقلاب برای مأموریت های خارج تنظیم شده اند. ایالات متحده، آنها را سازمان تروریستی تعریف کرده اند.»)

پنهانی" و یا "جنگ در سایه" تعریف کرده است. از گزارش مفصل این "روزنامه" فقط این مطلب را که افسانه ای نامیده اند، نقل می کنیم: «... که در سال ۲۰۰۸م، رئیس جمهور وقت عراق، جلال طلبانی، بر تلفون شخصی خود یک "پیام -اس ام اس" را می پذیرد، که به آدرس ملاقات کننده رئیس جمهور اختصاص یافته بود، به فرمانده قوای ایالات متحده در عراق، "دیوید پیترویس". "جنرال پیترویس گرامی:

شما باید بدانید، که من قاسم سلیمانی، سیاست خارجی ایران را برای عراق، لبنان، غزه و افغانستان کنترل می



Iranische Revolutionsgarden (Archivaufnahme) REUTERS سپاه انقلاب ایران

کنم" این را، سلیمانی می نویسد، که در آنوقت هنوز وسیعاً سری عمل می نموده است...»

در اخیر همین گزارش می خوانیم: «برای "ترمپ"، سلیمانی در جولای ۲۰۱۸م یک اختاریه داشته است: شما ممکن است، بتوانید جنگ را آغاز کنید، لیکن ما کسانی خواهیم بود، که انحام آنرا معین کنیم." این پیشگوئی خواهد توانست، بعد از مرگ او نیز

تحقق یابد. حاضر در روز جمعه، خامنه ای "اسمعیل قانی" (Esmail Qaani) را که از سال ۱۹۹۷م معاون "سلیمانی"

بوده است، تعیین نموده است. سال ۱۹۹۸م، طوری که قبلاً گفته شد، قوای آنرا در سرحدات افغانستان متراکم ساخته بود، که برای حمله انتقام جویانه به خاک افغانستان، آمادگی گرفته بودند. اینها را "عبدالله عبدالله" متحد خود می داند.



Frau in Afghanistan mit "Satan"-Protestplakat gegen Rohani Ap.
(«خامنه در افغانستان با "پلاکات شیطان" علیه روحانی")

وفتی "عبدالله عبدالله" خود اعتراف می کند، که دولت ایران «... سال ها است از میلیون ها مهاجر ما میزبانی می کند...». جالب است، که هم چنان می گوید: «...» جمهوری اسلامی ایران یکی از همسایه گان و متحدان کشور ما است...» و در عین حال تذکر می دهد که: «... ایالات متحده آمریکا نیز از متحدان استراتژیک افغانستان است...» با همچو

موقف یا در حرف خود صادق نیست و یا در پیوند با دو "دشمن یکدیگر"، به اصطلاح معمول، در مناسبات خارجی، در آن واحد، شباهت به آن دارد که "بر دو کشتی" که از هم فاصله می گیرند، "پا" می گذارد. («بهر روز مهری / ... "بریگاد های القدس" در قوت های نخبه سپاه انقلاب برای مأموریت های خارج تنظیم شده اند. ایالات متحده، آنها را سازمان تروریستی تعریف کرده اند.»)

"شپینگل آنلاین" روز شنبه مؤرخ ۱۲ آگست ۲۰۱۷م در تحت عنوان: "دیپلماتی در افغانستان - تقرب عجیب تهران با طالبان. در شرق نزدیک و شرق میانه. ایران بطور روز افزون، نفوذ بیشتر کسب می کند. آری در کشور همجوار افغانستان، دشمن قدیم دوباره قوت می گیرد: طالبان. بدین سبب تهران خود را با افراطیون نزدیک می سازد...". در همین گزارش از قول دیپلمات های کشور های اسلامی هم چنان می نویسند، که در انفجار شدید، در مجاورت سفارت آلمان، موتر حامل مواد منفجره، که برای انفجار استعمال شده است، در محوطه سفارت ایران در کابل توقف داشته است.

پایان



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" برعکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

راز حقیقت!

Yusufi_akbar_۶۴_raz_haqiqat.pdf